

A Study of the Role of Environmental Factors in Committing Crimes by the Cyberspace Users: A Case Study of the Youth in Shiraz

Azadeh Dehghanfar

Ph.D. Student, Department of Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Amir Paknahad*

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Amir Irvanian

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

ampak14@gmail.com

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2023.703194

Keywords:

Cyberspace,
Cybercrimes,
Criminology,
Situational Action
Theory,
Youth

Abstract

The anonymity and low cost of cyberspace make it a unique environment. Due to this characteristic and the widespread influence of cyberspace among young people, it is particularly pertinent to examine the impact of environmental characteristics on crime. Following the topic, the research aims to investigate how environmental factors and features may influence young cyberspace users' criminal behavior. In order to conduct the present applied research, the researchers utilized the survey method. This study investigated cyberspace users aged 18 to 35 living in Shiraz. The researchers selected 300 people on random sampling basis and developed a questionnaire to conduct the study. SPSS-26 software and descriptive and inferential statistics (Pearson Correlation Coefficient) were used to analyze the data. The findings showed that the correlation between encouraging environmental factors and rate of crimes committed by the mentioned group of cyberspace users is meaningful. Therefore, the more intensive the environmental factors that encourage crime, the higher the crime rate are observed. Furthermore, the calculations indicate that deterrent factors are significantly correlated with crime. An increase in deterrent factors can contribute to the reduction of crime. Taking into account the characteristics of cyberspace and the intensification of factors that encourage crime, special attention should be paid to developing and modifying appropriate software platforms. Furthermore, increased parental interaction with their children and establishing indirect controls can also reduce the rate of crime among the mentioned group.



.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license: (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

بررسی نقش ویژگی‌های محیطی در ارتکاب جرایم بین کاربران فضای مجازی: مطالعه موردی

جوانان شیراز

آزاده دهقان فر

دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

امیر پاک نهاد*

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

امیر ایروانیان

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

ampak14@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۲۲ آذر ۱۴۰۱

چکیده

فضای مجازی به عنوان یک محیط، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی چون ناشناس بودن و کم هزینه بودن است. این ویژگی‌ها در کنار نفوذ گسترده در بین جوانان سبب شده است که بررسی اثر ویژگی‌های محیطی بر ارتکاب جرم در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. با توجه به موضوع، هدف از این پژوهش بررسی نقش ویژگی‌های محیطی در ارتکاب جرایم کاربران جوان فضای مجازی پرداخته شده است. مطالعه حاضر یک پژوهش کاربردی بوده که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش تمام کاربران جوان فضای مجازی بین سنین ۱۸ تا ۳۵ (جوانان) ساکن شیراز است. نمونه مورد بررسی ۳۰۰ نفر از بز اعضای جامعه بوده که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته، داده‌ها جمع‌آوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-26 و روش آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شد. یافته‌ها نشان دهنده آن است که ضریب همبستگی بین عوامل تشویق‌کننده محیطی و ارتکاب جرایم کاربران فضای مجازی معنادار است. در نتیجه هر چقدر عوامل تشویق‌کننده جرم شدت بیشتری داشته باشد منجر به افزایش میزان ارتکاب جرم می‌شود. همچنین محاسبات نشان‌دهنده آن است که ضریب همبستگی بین عوامل بازدارنده و ارتکاب جرم کاربران فضای مجازی معنادار است. با افزایش شدت عوامل بازدارنده، ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. با توجه به ویژگی‌های خاص فضای مجازی و افزایش شدت عوامل تشویق‌کننده جرم بایستی به ایجاد و اصلاح سکوها نرم افزاری مناسب توجه ویژه ای داشت. همچنین افزایش تعامل والدین با جوانان و ایجاد کنترل‌های غیرمستقیم می‌تواند در کاهش ارتکاب جرم موثر باشد.

کلید واژگان: فضای مجازی، جرایم سایبری، جرم شناسی، نظریه کنش وضعیتی، جوانان.

مقدمه

در دو دهه گذشته به واسطه فناوری‌های جدید، زندگی بشر در معرض دستخوش تغییرات بسیاری قرار گرفته است. گسترش استفاده از رایانه، موبایل و سایر وسایل الکترونیکی و ارتباط جمعی در کنار افزایش ضریب نفوذ اینترنت سبب شده است که انقلاب وسیعی در نحوه ارتباط افراد با یکدیگر رخ دهد (عطاران و وودز، ۲۰۱۹؛ ۴۹۷). این تغییرات به شکلی است که طیف گسترده‌ای از تعاملات بشری از جمله معاملات اقتصادی و مراودات اجتماعی را به فضای مجازی انتقال داده و سرعت انجام این تعاملات را با افزایش چشمگیری رو به رو کرده است. نفوذ فناوری‌های ارتباطی جدید در کنار افزایش استفاده از اینترنت و فضای مجازی سبب افزایش نقش و اهمیت فضای مجازی در زندگی بشر شده است (لتزر و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۹). این اهمیت به صورتی است که ابزارها به عنوان ستون فقرات زندگی بشر، از ارتباطات شخصی و امور مالی گرفته تا مدیریت شبکه‌های برق و نیروگاه‌ها عمل می‌کنند (هالت، ۲۰۲۱؛ ۱۰).

ظهور فناوری‌های جدید نظیر پیام رسانی‌های فوری و شبکه‌های اجتماعی مجازی از طرفی موجب گسترش بازار، افزایش گزینه‌های قابل انتخاب، کاهش هزینه‌ها و در نتیجه افزایش رفاه جامعه شده (سنگر، ۲۰۲۱؛ ۲۸) اما از طرف دیگر، گسترش ارتباطات بین افراد سبب شده است که عده‌ای از این فضا سوء استفاده کرده و مرتکب رفتارهای مجرمانه شوند (سینگ و کار، ۲۰۲۰؛ ۵۰۴۸).

جرم به عنوان یک پدیده چند وجهی دارای پیچیدگی‌های زیادی است. با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و گسترش اینترنت، مجرمان از فضای مجازی به عنوان بستری برای انجام رفتارهای مجرمانه استفاده می‌کنند. ویژگی‌های خاص فضای مجازی مانند ناشناس بودن و سهولت در ارتباط با سایرین، باعث شده است که فضای مجازی به عنوان یک محیط جرم‌زا نقش مهمی در ارتکاب جرم ایفا کند (گوردون و همکاران، ۲۰۰۶؛ ۱۵؛ کاپلان و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۴۴۰). محیط به عنوان دنیای پیرامون افراد گفته می‌شود. محیط مجازی با فراهم آوردن ویژگی‌های منحصر به فرد فرصت‌های بیشماری را برای ارتکاب جرم فراهم کرده است. هر چه یک محیط از نظر سهولت ارتکاب جرم در آن مناسب تر باشد، جرم زایی بیشتری دارد. فضای مجازی با ویژگی‌های خاص خود نسبت به محیط‌های فیزیکی زمینه‌ی بیشتری برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند؛ بنابراین دارای شدت جرم‌زایی بالاتری است (کلاف، ۲۰۱۱؛ ۶۸۰؛ محمدی امناب و همکاران، ۱۳۹۶؛ ۵۲۵).

همان طور که بیان شد، پیشرفت و توسعه روزافزون فضای سایبری موجب افزایش فرصت‌های مجرمانه شده به نحوی که در سال‌های اخیر، میزان ارتکاب جرایم سایبری به شدت افزایش یافته است. ارتکاب جرایمی مانند سوء استفاده جنسی، کلاهبرداری‌های اینترنتی و خشونت آنلاین از جمله رفتارهای مجرمانه‌ای است که در بستر فضای مجازی افزایش یافته است. تحقیقات انجام شده نشان‌دهنده آن است که گروه‌های خشونت طلب مانند باندهای خیابانی و کارتل‌های مواد مخدر نیز با حضور در فضای مجازی از رسانه‌های اجتماعی برای تسهیل در ارتکاب رفتار مجرمانه استفاده می‌کنند (پیروز و همکاران، ۲۰۱۵؛ ۴۸۰؛ برودهارست و چانگ، ۲۰۱۳؛ ۵۳). مطالعات نشان دهنده آن است که آزار و اذیت سایبری^۱ شامل ارسال پیام‌های تهدیدآمیز یا جنسی از طریق رسانه‌های اجتماعی در میان جوانان رایج شده است (لیم و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۱۱). این افزایش ارتکاب، سبب شده است که جرم‌شناسان در سال‌های اخیر به طور ویژه به بررسی جرایم سایبری بپردازند. به همین علت، در چند سال اخیر روند انتشار تحقیقات جرم‌شناسی با موضوع فضای مجازی و کاربرد نظریه‌های جرم‌شناسی در ارتکاب جرایم سایبری افزایشی بوده است (هالت، ۲۰۲۳؛ ۳). در این پژوهش‌ها، جرم‌شناسان با بررسی نظریه‌های جرم‌شناسی به شناسایی علل ارتکاب جرایم سایبری و مقایسه کاربرد نظریات جرم‌شناسی در جرایم سنتی با جرایم سایبری پرداخته‌اند (استالانز و

^۱ Cyberbullying



دونر، ۲۰۱۸؛ ۳۱). جرم شناسان در مطالعات خود از نظریه‌های فشار عمومی، خودکنترلی و فعالیت‌های روزمره برای بررسی جرایم سایبری استفاده کرده‌اند (پچین و هندوجا ۲۰۱۱؛ ۷۲۷؛ هی و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۱۳۰؛ هالت و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۳۷۸). علی‌رغم تلاش جرم‌شناسان برای بررسی خشونت سایبری، کماکان ادبیات زیادی درباره این موضوع وجود ندارد. یکی از نظریاتی که در سال‌های اخیر برای توضیح علل ارتکاب جرم مطرح شده است، نظریه کنش وضعیتی^۲ است. در این نظریه به عوامل محیطی در کنار ویژگی‌های فردی در فرآیند ارتکاب جرم پرداخته شده است. (ویکستروم و تریبر، ۲۰۱۶؛ ۱۲۳۵).

بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان‌دهنده آن است که خشونت سایبری نسبت به خشونت سنتی خصوصاً در بین جوانان از رواج بیشتری برخوردار است. این افزایش به این دلیل است که افزایش فرصت ارضای نیازها یا خواسته‌های جوانان در فضای مجازی با سهولت بیشتری در دسترس است. بنابراین امکان تحریک فرد در فضای سایبری به مراتب بیشتر از فضای فیزیکی است (مرکوم و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۵۴۱). در نتیجه به نظر می‌رسد محرک‌های محیطی گفته شده در نظریه کنش وضعیتی می‌تواند به عنوان یک زمینه پژوهشی مناسب برای بررسی رفتار مجرمانه کاربران جوان فضای مجازی باشد.

بسیاری از پژوهش‌های تجربی انجام شده این موضوع را تایید کرده‌اند که ویژگی‌های محیطی، نقش مهمی در توضیح رفتار مجرمانه دارد (ربلون و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۹۹۱). در ادامه به بیان خلاصه تعدادی از تحقیقات انجام شده پرداخته می‌شود. ویکستروم و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی آسیب‌پذیری جوانان در مواجهه با عوامل فردی و محیطی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که محیط‌های جرم‌زا به طور قابل توجهی میزان ارتکاب جرایم را افزایش می‌دهد. سونگ و لی (۲۰۲۰) به بررسی نقش ارتکاب جرایم با استفاده از نظریه کنش وضعیتی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که محیط بر ارتکاب عمل مجرمانه اثر می‌گذارد. ترکمان و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ی خود به بررسی عوامل مؤثر در ارتکاب به جرایم اجتماعی پرداخته‌اند. محققان بیان کرده‌اند که افزایش جرایم و رشد بی‌اعتمادی و اختلال در عرصه عمومی مانع مهمی جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی جامعه است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که ویژگی‌های محیطی با متغیر فشار رابطه معناداری دارد و هر چه این فشار افزایش یابد میزان ارتکاب جرم بیشتر می‌شود. اله یاری و مجیدی پرست (۱۳۹۳) در مقاله خود به بررسی و طبقه‌بندی جرایم مجازی سازمان یافته پرداخته‌اند. در این مقاله به این موضوع اشاره شده است که گسترش رو به رشد فضای مجازی و ناشناخته بودن ابعاد آن به عاملی برای افزایش فرصت‌های جنایی تبدیل شده است. این ویژگی توسط مجرمان در فضای مجازی مورد سوء استفاده قرار گرفته و شکل‌گیری گروه‌های مجرمانه در این فضا را به دنبال داشته است. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده آن است که بهترین شیوه در جلوگیری از وقوع جرایم در فضای مجازی، آموزش عموم جامعه و همچنین ایجاد پلیس سایبری و تقویت آن به منظور گشت زنی در فضای مجازی است. موسوی و میرنجف (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی توزیع مکانی جرم پرداخته است. محقق به این نتیجه دست یافته است که فضاهای کالبدی نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. کرکه آبادی و باقری (۱۳۹۸) به بررسی پیشگیری محیطی پرداخته‌اند. محققان به این نتیجه دست یافته‌اند که طراحی محیطی نقش مهمی در ایجاد محیط امن و جلوگیری از ارتکاب جرم دارد. رحمتی و همکاران (۱۴۰۰) به شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که متغیرهای محیطی نقش مهمی در وقوع جرم دارند. ایقانی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی پیشگیری وضعی در فضای مجازی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر این است که ویژگی‌های خاص فضای مجازی سبب افزایش جرایم مختلفی نظیر جرایم جنسی، هرزه‌نگاری مجازی، درز اطلاعات از طریق کودکان، توهین، خرید و فروش مواد مخدر به افراد در سنین پایین، مزاحمت و تعرض از طریق فضای مجازی علیه کودکان شده است. موسوی فرد و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ی خود به بررسی رویکردهای مؤثر بر پیشگیری از جرم مبتنی بر سیاست جنایی پرداخته‌اند. محققان در این مقاله

² Situational Action Theory

چنین نتیجه گیری کرده‌اند که عوامل محیطی بر عملکرد انسان اثر داشته و می‌توان با استفاده از پیشگیری محیطی از ارتکاب جرم پیشگیری کرد.

در سال‌های اخیر ارتکاب جرایم توسط جوانان، بازتاب‌های نگران‌کننده‌ای در جامعه و برای آینده نظام اجتماعی در برداشته است. آمارهای مربوط به جرایم جوانان در کشور حاکی از روند روبه‌رشد جرائم در بین این قشر از جامعه است. نگاهی گذرا به آمارمحکومین قضایی بیانگر این حقیقت است که جوانان بیشترین میزان ارتکاب به اعمال بزهکارانه را دارا بوده‌اند. حدود ۶۲ درصد از جرایم را نوجوانان و جوانان (کمتر از ۳۵ سال) مرتکب شده‌اند. این آمار در سال‌های اخیر با رشدی ۲۲ درصدی همراه بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

با توجه به مطالب بیان شده، بررسی اثر فضای مجازی به عنوان یک محیط ویژه که نسل جوان در آن فعالیت زیادی دارد با استفاده از نظریه کنش وضعیتی می‌تواند بینش‌های جدیدی را در زمینه جرم‌شناسی ایجاد کند. به همین دلیل و با توجه به اهمیت روز افزون فضای مجازی، افزایش نرخ ارتکاب جرایم سایبری و همچنین ضریب نفوذ فضای مجازی در بین جوانان، در این پژوهش به بررسی اثر ویژگی‌های محیطی بر ارتکاب جرایم در بین کاربران جوان فضای مجازی در شیراز با استفاده از نظریه کنش وضعیتی پرداخته می‌شود. برای این منظور دو فرضیه تشکیل شده است. فرضیه اول مبتنی بر این است که عوامل تشویق‌کننده محیطی جرم (در فضای مجازی) با ارتکاب جرم ارتباط معناداری دارد. فرضیه دوم نیز بدین صورت است که عوامل بازدارنده محیطی جرم (در فضای مجازی) با ارتکاب جرم رابطه معناداری دارند.

۱- جرایم در فضای مجازی

ظهور فناوری‌های جدید و ایجاد فرشت‌های مجرمانه سبب شده است که ارتکاب رفتارهای مجرمانه از طریق این بستر با رشد خیره‌کننده‌ای رو به رو شود. به همین دلیل بررسی جرایم سایبری و شناخت زوایای گوناگون آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با وجود اهمیت این موضوع، هیچ تعریف واحد و مورد توافقی از جرایم سایبری وجود ندارد. برخی از محققان استدلال می‌کنند رفتارهای مجرمانه‌ای که از فضای سایبر یا فناوری رایانه‌ای برای تسهیل ارتکاب جرم استفاده می‌کنند را بایستی به عنوان جرایم سایبری در نظر گرفت (گانچارد، ۲۰۰۸؛ ۱۰۳۰). در پژوهش‌های انجام شده دسته‌بندی‌های مختلفی برای جرایم سایبری مطرح شده است. وال (۲۰۰۳؛ ۱۱) جرایم سایبری را به چهار دسته تعدی سایبری^۳، سرقت سایبری^۴، هرزه‌نگاری سایبری^۵ و خشونت سایبری^۶ تقسیم کرده است. از میان این جرایم، خشونت سایبری در پژوهش‌های جرم‌شناسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (کرسپی و هلستن، ۲۰۲۲؛ ۵).

افزایش استفاده از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی به افراد این امکان را داده است که بتوانند با کمترین هزینه و بدون در نظر گرفتن مسافت فیزیکی و در طول ۲۴ ساعت شبانه‌روز دیگران را تهدید یا مورد آزار و اذیت قرار دهند (فیشر، ۲۰۱۳؛ ۱۲۷). از طرف دیگر، دسترسی بیشتر نوجوانان و جوانان به فناوری‌های ارتباطی جدید سبب شده است که آنها بیشتر در معرض آزار و اذیت‌های آنلاین و خشونت سایبری قرار گیرند (هالت و بوسلر، ۲۰۰۹؛ ۴). این سهولت سبب شده است که خشونت سایبری به یکی از مشکلات متداول تبدیل شود. با وجود اهمیت برجسته خشونت سایبری، هنوز تعریف دقیقی درباره آن ارائه نشده است. یکی از تعاریف مطرح شده برای خشونت سایبری توسط شورای اروپا بیان شده است. در این تعریف به استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای برای ایجاد، تسهیل یا

³ Cyber-Trespass

⁴ Cyber-Deception (Theft)

⁵ Cyber-Porn and Obscenity

⁶ Cyberviolence

تهدید علیه افراد که منجر به آسیب فیزیکی، جنسی، روانی یا اقتصادی شود (یا احتمالاً منجر به آن شود) خشونت سایبری گفته می‌شود. این نوع جرایم شامل طیف گسترده‌ای از جرایم از جمله انواع مختلف آزار و اذیت، نقض حریم خصوصی و سوء استفاده جنسی می‌باشد (بران و لی، ۲۰۰۸؛ ۱۶؛ جایشانکار، ۲۰۰۷؛ ۸). یکی دیگر از مصادیق خشونت سایبری، استفاده از فناوری‌های ارتباطی برای حمایت از ناآرامی‌های اجتماعی است. جنبش‌های سیاسی و اجتماعی به طور فزاینده ایدئولوژی‌های خود را از طریق رسانه‌های اجتماعی ترویج می‌کنند که می‌تواند با تاثیرگذاری بر افراد منجر به اقدامات خشن فیزیکی و حتی ترور افراد شود (اون، ۲۰۱۷؛ ۱۰۵).

علی‌رغم وجود اشکال متنوع خشونت سایبری، در پژوهش‌های جرم‌شناسان بیشتر به آزار و اذیت آنلاین پرداخته شده است. آزار و اذیت سایبری به طور کلی شامل استفاده از اینترنت برای تهدید، آسیب رساندن، شرمساری یا طرد اجتماعی دیگران است (انگ، ۲۰۱۵؛ ۳۶). گرچه تاکنون تعریف جهان‌شمولی برای جرایم سایبری ارائه نشده و بنابراین ردیابی آن نیز با سختی‌های بسیاری مواجه بوده و در نتیجه میزان رقم سیاه در این جرایم زیاد است اما مطالعات انجام شده نشان‌دهنده افزایش شدید آزار و اذیت آنلاین در چند سال اخیر است. بیشترین قربانی آزار و اذیت‌های آنلاین را زنان و دختران تشکیل می‌دهند (بارتلت و کویین، ۲۰۱۴؛ ۴۷۵؛ جونز و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۸۱). همچنین، مطالعات نشان‌دهنده آن است که میزان قربانیان ناشی از آزار و اذیت آنلاین نیز در حال افزایش بوده که می‌تواند به عنوان پیش‌نشانی برای افزایش عواقب و پیامدهای روانی جدی مانند افسردگی یا افکار خودکشی باشد (کلومک و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۴۹). آزار و اذیت آنلاین می‌تواند اشکال مختلفی از جمله پیام‌های تهدیدآمیز یا جنسی از طریق ایمیل، سرویس‌های پیام‌رسانی فوری یا ارسال نظر در اتاق‌های گفتگو را شامل شود (هیندوجا و پاچین، ۲۰۱۴؛ ۱۰). البته در بین این اشکال مختلف، رایج‌ترین مصداق آزار و اذیت سایبری، ارسال نظرهای مخرب و منفی نسبت به دیگران در شبکه‌های اجتماعی است که به صورت عمومی منتشر می‌شود (جونز و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۵۷).

۲- نظریه کنش وضعیتی

نظریه کنش وضعیتی نخستین بار توسط ویکستروم در سال ۲۰۰۴ مطرح شد (ویکستروم، ۲۰۱۰؛ ۱۱). در این نظریه سازوکار ویژه‌ای برای فرآیند انتخاب رفتار مجرمانه تعریف شده است. در نظریه کنش وضعیتی افراد از طریق فرآیند ادراک-انتخاب، عمل مجرمانه را انتخاب می‌کنند. در این نظریه بر این نکته تاکید می‌شود که فرد ابتدا عمل مجرمانه‌ای را به‌عنوان یک رفتار قابل انتخاب در کنار دیگر رفتارهای قابل انتخاب، در ذهن خود در نظر می‌گیرد (فرآیند ادراک) و سپس درباره انجام دادن یا ندادن آن تصمیم‌گیری می‌کند (فرآیند انتخاب). در نظریه کنش وضعیتی، جرم تنها در زمانی اتفاق می‌افتد که عمل مجرمانه‌ای که در ذهن تجسم شده، توسط فرد انتخاب و اعمال شود (ویکستروم و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۱۵۱).

در نظریه کنش وضعیتی عواملی که بر فرآیند ادراک-انتخاب اثر می‌گذارند در قالب عوامل محیطی و فردی و همچنین تعامل بین آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طور خاص، فرآیند ادراک-انتخاب با تعامل بین محرک‌های محیطی و ویژگی‌های فردی همراه است. در این نظریه بیان شده است که برای آغاز فرآیند ادراک-انتخاب، الزاما به وجود یک محرک نیاز است. محرک به عنوان توجه معطوف به هدف در مرحله اولیه تعریف می‌شود. بنابراین توجه به یک هدف خاص که می‌تواند با ارتکاب یک عمل خلاف قانون محقق شود، به‌عنوان شرط ضروری آغاز فرآیند ادراک-انتخاب در نظر گرفته می‌شود. البته ممکن است محرک صرفاً سبب تحریک افراد شود و الزاما به ارتکاب عمل مجرمانه ختم نشود (ویکستروم و بوهاانا، ۲۰۱۶؛ ۱۸۰).

در نظریه کنش وضعیتی از دو نوع محرک شامل وسوسه^۷ و تهییج^۸ نام برده شده است. وسوسه زمانی اتفاق می‌افتد که فرصتی برای ارضای میل (نیاز یا خواسته) فرد در یک محیط خاص فراهم شود. در حالی که تهییج زمانی رخ می‌دهد که فرد با اصطکاک یا دخالت‌های ناخواسته‌ای مواجه شود که باعث ناراحتی یا عصبانیت وی در یک محیط خاص می‌شود (ویکستروم و تریر، ۲۰۱۶؛ ۱۲۴۱).

در نظریه کنش وضعیتی بر این نکته تأکید می‌شود که افراد بیشتر در محیط‌هایی مرتکب جرم می‌شوند که در معرض وسوسه‌ها و تهییجات قرار بگیرند. البته همان‌طور که بیان شد این به معنای آن نیست که اگر فرد در یک محیط مجرمانه در معرض هر دو محرک قرار گیرد الزاماً یک عمل مجرمانه را انتخاب می‌کند. در واقع انتخاب عمل تا حد زیادی به تعامل بین این محرک‌های محیطی با ویژگی‌های فرد تحریک شده بستگی دارد (ویکستروم، ۲۰۱۹؛ ۲۶۷).

در نظریه کنش وضعیتی، پس از تحریک شدن فرد عوامل محیطی به دو صورت بر انتخاب رفتار مجرمانه اثر می‌گذارند. عوامل عوامل تشویق‌کننده محیطی جرم شامل اجتماعی شدن غیر ساختاری و در معرض جرم دوستان بودن سبب افزایش احتمال انتخاب رفتار مجرمانه می‌شوند اما عوامل بازدارنده محیطی جرم شامل ادراک بازدارندگی و کارایی اجتماعی سبب کاهش احتمال انتخاب رفتار مجرمانه می‌شود (ویکستروم، ۲۰۱۹؛ ۲۷۱).

لازم به ذکر است که محیطی که فرد می‌تواند در آن قرار گیرد می‌تواند محیط فیزیکی یا مجازی باشد. فضای مجازی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد شامل ضرب نفوذ بسیار زیاد، سهولت دسترسی، هزینه پایین ورود و ناشناس بودن است (هی و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۱۳۴). این ویژگی‌ها سبب افزایش احتمال تحریک شدن و همچنین شدت عوامل تشویق‌کننده محیطی جرم و نیز کاهش عوامل بازدارنده محیطی جرم می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد نظریه کنش وضعیتی نظریه مناسبی برای بررسی جرایم در فضای مجازی باشد.

روش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش تحقیق یک مطالعه پیمایشی است. داده‌های مورد نیاز به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده است. با توجه به تعریف سازمان ملی جوانان مبنی بر اینکه افراد بین سنین ۱۸ تا ۳۵ سال جوان تلقی می‌شوند، جامعه آماری این پژوهش نیز تمام افراد ۱۸ تا ۳۵ سال شیراز (۲۸۳۵۶۸) بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی و فرمول کوکران، نمونه این مطالعه ۳۰۰ نفر بوده که پرسشنامه را در سال ۱۴۰۱ تکمیل کرده‌اند. البته شرط ورود به مطالعه علاوه بر قرار گرفتن در بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال، این بوده که پاسخگو بایستی کاربر یکی از پیام‌رسان‌های فوری یا شبکه‌های اجتماعی باشد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-26 و با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) مورد بررسی قرار گرفته است. در اجرای این تحقیق، از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) استفاده شده است. ابزار این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته، می‌باشد. در خصوص استفاده از روش پرسشنامه لازم به ذکر است که ابتدا پرسشنامه ویکستروم و اسونسون (۲۰۱۰) ترجمه و پرسشنامه‌ای مقدماتی تنظیم شده است. سپس با مشورت و استفاده از نظرات متخصصان اعتبار صوری تحقیق بدست آمد. همچنین از ۳۰ پرسشنامه بعنوان پیش‌آزمون (پری تست) استفاده شده و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی شاخص‌های تحقیق محاسبه شده است. در ادامه گویه‌هایی که دارای همبستگی کمتری بودند، اصلاح و گویه‌های مناسب جایگزین آنها شد. لازم به ذکر است که دامنه آماره آلفای کرونباخ از صفر تا یک بوده و با نرم‌افزار SPSS-26 محاسبه شده است. در این تحقیق از دو پرسشنامه ویژگی‌های محیطی و خوداظهاری جرم استفاده شده است. پرسشنامه ویژگی‌های محیطی شامل ۲۰ گویه است. این گویه‌ها دربردارنده عوامل تشویق‌کننده

⁷ Temptation

⁸ Provocation

جرم و عوامل بازدارنده جرم است. پاسخ ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۰ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) تنظیم شده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۸۳۸ محاسبه شده است که بزرگتر از ۰/۷ بوده و مورد قبول است. پرسشنامه خوداظهاری جرم شامل ۷ گویه است. پاسخ ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۰ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) تنظیم شده و ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۰/۸۱۴ محاسبه شده است که بزرگتر از ۰/۷ بوده و مورد قبول است.

یافته‌ها

نمونه آماری این مطالعه ۳۰۰ نفر از جوانان شیراز است که ۱۷۲ نفر زن معادل ۵۷/۳ درصد از جمعیت مورد مطالعه و ۱۲۸ نفر مرد معادل ۴۲/۷ درصد جمعیت مورد مطالعه را تشکیل داده‌اند. بنابراین، تعداد زنان در این مطالعه بیش از تعداد مردان بوده است.

اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد ۴۱/۵ درصد جمعیت مورد مطالعه مجرد، ۵۶/۲ درصد متأهل و ۲/۳ درصد جمعیت مورد مطالعه جدا شده از همسر به دلیل فوت یا طلاق بوده‌اند. بنابراین، بیشترین افراد حاضر در این مطالعه متأهل بوده است.

عوامل محیطی در این پژوهش شامل عوامل تشویق‌کننده و عوامل بازدارنده است. جدول ۱، توزیع فراوانی عوامل محیطی را در دو سطح عوامل تشویق‌کننده و بازدارنده جرم نشان می‌دهد. بیشتر پاسخگویان، عوامل تشویق‌کننده را با ۷۳/۶ درصد در سطح پایین و عوامل بازدارنده را با ۶۵/۹ درصد در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۱: توزیع فراوانی عوامل محیطی (تشویق‌کننده و بازدارنده محیطی)

درصد	فراوانی	عوامل محیطی	
۶/۷۳	۲۲۱	پایین	عوامل تشویق‌کننده
۴/۲۳	۷۰	متوسط	
۰/۳	۹	بالا	
۳/۲	۷	پایین	عوامل بازدارنده
۹/۶۵	۱۹۸	متوسط	
۸/۳۱	۹۵	بالا	

فرضیه اصلی این پژوهش آن است که بین عوامل تشویق‌کننده و بازدارنده محیطی و ارتکاب جرم رابطه معناداری برقرار است. برای بررسی این فرضیه و با توجه به اینکه سطح سنجش متغیرها فاصله‌ای است، از ضریب همبستگی پیرسون به عنوان آزمون آماری استفاده شده است. عوامل محیطی خود به دو زیر مولفه‌ی عوامل تشویق‌کننده جرم شامل اجتماعی شدن غیر ساختاری و در معرض جرم دوستان بودن و عوامل بازدارنده شامل ادراک بازدارندگی و کارایی اجتماعی تقسیم می‌شود. در ادامه به بررسی اثر هر یک از این شاخص‌ها بر ارتکاب جرم پرداخته می‌شود.

محاسبات نشان دهنده آن است که ضریب همبستگی بین عوامل تشویق‌کننده جرم و ارتکاب جرم ۰/۲۶۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، فرض وجود رابطه در این فرضیه در سطح ۹۹ درصد تایید می‌گردد. به بیان دیگر، بین عوامل تشویق‌کننده جرم و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین افزایش عوامل تشویق‌کننده جرم منجر به افزایش میزان ارتکاب جرم می‌شود.

باتوجه به اینکه عوامل تشویق‌کننده محیطی شامل اجتماعی شدن غیر ساختاری و در معرض جرم دوستان بودن است، در ادامه به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین متغیرهای اجتماعی شدن غیر ساختاری و ارتکاب جرم $0/230$ و سطح معناداری $0/000$ می‌باشد. از آنجا که سطح معناداری کمتر از $0/01$ می‌باشد، فرض وجود رابطه در این فرضیه در سطح 99 درصد تایید می‌گردد. بنابراین می‌توان بیان کرد بین اجتماعی شدن غیر ساختاری و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه افزایش اجتماعی شدن غیر ساختاری منجر به افزایش ارتکاب جرم می‌گردد.

همچنین محاسبات نشان دهنده آن است که ضریب همبستگی بین متغیر در معرض جرم دوستان بودن و ارتکاب جرم $0/245$ و سطح معناداری $0/000$ می‌باشد. به علت اینکه سطح معناداری کمتر از $0/01$ می‌باشد، فرض وجود رابطه در این فرضیه در سطح 99 درصد تایید می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت بین متغیر در معرض جرم دوستان بودن و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین محیطی که در آن افراد در معرض جرم دوستان قرار می‌گیرند سبب افزایش ارتکاب جرم آنان می‌شود. محاسبات ضریب همبستگی بین عوامل تشویق کننده محیطی و ارتکاب جرم در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ضریب همبستگی عوامل تشویق کننده محیطی و ارتکاب جرم

عوامل تشویق کننده جرم		عوامل تشویق کننده جرم	عوامل محیطی	
در معرض جرم دوستان	اجتماعی شدن ساختاری		ضریب همبستگی	ارتکاب جرم
۲۴۵/۰	۲۳۰/۰	۰/۲۶۳	ضریب همبستگی	ارتکاب جرم
۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	سطح معناداری	

$$p \leq 0/01$$

علاوه بر عوامل تشویق کننده محیطی، عوامل بازدارنده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. محاسبات انجام شده نشان دهنده آن است که ضریب همبستگی بین عوامل بازدارنده جرم و ارتکاب جرم $0/140$ - و سطح معناداری $0/016$ است. از آنجایی که سطح معناداری کمتر از $0/01$ می‌باشد، فرض وجود رابطه در سطح 99 درصد تایید می‌گردد. بنابراین بین عوامل بازدارنده جرم و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه، افزایش عوامل بازدارنده جرم منجر به کاهش ارتکاب جرم می‌گردد.

عوامل بازدارنده جرم به دو زیر مولفه ادراک بازدارندگی و کارایی اجتماعی تقسیم می‌شود که در زیر به بررسی رابطه این شاخص‌ها با ارتکاب جرم پرداخته می‌شود.

محاسبات انجام شده نشان دهنده آن است که ضریب همبستگی بین ادراک بازدارندگی و ارتکاب جرم $0/016$ - و سطح معناداری $0/786$ می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از $0/05$ است، فرض وجود رابطه در این فرضیه در سطح 95 درصد رد می‌گردد. بنابراین بین ادراک بازدارندگی و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین محاسبات انجام شده نشان دهنده آن است که ضریب همبستگی بین کارایی اجتماعی و ارتکاب جرم $0/180$ - و سطح معناداری $0/002$ می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از $0/01$ است، فرض وجود رابطه در این فرضیه در سطح 99 درصد تایید می‌گردد. بنابراین، بین کارایی اجتماعی و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد و در نتیجه، افزایش کارایی اجتماعی منجر به کاهش ارتکاب جرم می‌گردد. محاسبات ضریب همبستگی بین عوامل بازدارنده محیطی و ارتکاب جرم در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: ضریب همبستگی عوامل بازدارنده محیطی و ارتکاب جرم

 $p \leq 0/01$

عوامل محیطی		عوامل بازدارنده جرم	عوامل بازدارنده جرم	
ارتکاب جرم	ضریب همبستگی		ادراک بازدارندگی	کارآیی اجتماعی
				-۰/۱۴۰
		۰/۰۱۶	۰/۰۰۲	

نتیجه گیری

هدف اصلی از این پژوهش بررسی اثر عوامل محیطی بر ارتکاب جرم در میان کاربران جوان فضای مجازی در شیراز است. با توجه به این هدف پرسشنامه‌ای تهیه شده و پس از جمع آوری داده‌های مربوطه، فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه اول تحقیق این بود که با توجه به ویژگی‌های خاص فضای مجازی مانند ناشناس بودن و گستردگی ارتباط با دیگران، عوامل تشویق‌کننده محیطی بر ارتکاب جرم تأثیرگذار است. در نتیجه سکوه‌های^۹ نرم افزاری مناسب در فضای مجازی که باعث افزایش اجتماعی شدن غیرساختاری و نیز ارتباط با دوستان مجرم می‌شود، موجب افزایش ارتکاب جرم در جوانان می‌شود. این نتیجه با نتایج به دست آمده در تحقیقات پیشین که بر اهمیت عوامل تشویق‌کننده محیطی بر ارتکاب جرم تأکید دارند، همسو می‌باشد (ویکستروم و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۲۸). به منظور توضیح این یافته می‌توان گفت عوامل تشویق‌کننده محیطی در فضای مجازی به مراتب بیشتر از این عوامل در محیط‌های فیزیکی هستند. در نتیجه شدت جرم زایی فضای مجازی بیشتر بوده که خود باعث افزایش احتمال ارتکاب رفتار مجرمانه می‌شود. همچنین اجتماعی شدن غیرساختاری در فضای مجازی با ایجاد اختلال در فرآیند درونی سازی هنجارها سبب کاهش پابندی به هنجارهای اجتماعی و در نتیجه افزایش میزان ارتکاب جرم می‌شود (ویکستروم، ۲۰۰۶؛ ۹۶). نکته قابل تامل آن است که طراحی سکوهایی با قابلیت ناشناس ماندن باعث کاهش هزینه‌های ارتکاب جرم برای مجرمان می‌شود.

فرضیه دوم تحقیق این است که عوامل بازدارنده محیطی بر ارتکاب جرم کاربران جوان فضای مجازی تأثیر دارند. نتایج نشان دهنده آن است که کارایی اجتماعی دارای اثر معنادار منفی است. این نتیجه نیز با نتایج سایر محققان همسو است (ربلیون و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۹۹۱). کارایی اجتماعی نیز بر درونی‌سازی صحیح هنجارها و در نتیجه کاهش ارتکاب جرم موثر است. در نتیجه زمانی که فرد در گروه‌های مجازی قرار گیرد که به افزایش کارایی اجتماعی کمک کند، به دلیل کنترل غیر مستقیم اجتماعی می‌توان انتظار داشت که ارتکاب جرم کاهش یابد. به بیان دیگر کارایی اجتماعی مانند سدی در مقابل تمایلات مجرمانه قرار می‌گیرد (ویکستروم و تربیر، ۲۰۱۵؛ ۴۲۱). بنابراین می‌توان بیان کرد در گروه‌های مجازی با کارایی اجتماعی بالا، حتی اگر فرد تمایل درونی به انجام رفتار مجرمانه داشته باشد نیز با مانعی به نام کنترل اجتماعی رو به رو می‌شود (ویکستروم، ۲۰۰۶؛ ۶۵). ادراک بازدارندگی یکی دیگر از عوامل بازدارنده محیطی است. نتایج بدست آمده رابطه‌ی بین ادراک بازدارندگی و ارتکاب جرم را تایید نکرد. این نتیجه برخلاف نتایج سایر پژوهش‌هاست (ویکستروم و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۱۳۶).

⁹ Platforms

به طور کلی می‌توان گفت براساس مطالعه حاضر فعالیت در فضای مجازی به عنوان یک محیط ویژه نقش مهمی بر ارتکاب جرایم جوانان ایفا می‌کند. بنابراین با کاهش عوامل تشویق‌کننده و افزایش عوامل بازدارنده از طریق طراحی سکوه‌های نرم افزاری مناسب می‌توان میزان ارتکاب جرم در کاربران فضای مجازی را کاهش داد. با توجه به اهمیت روزافزون فضای مجازی در زندگی بشر مناسب است که پژوهشگران در مطالعات آتی به پژوهش درباره سکوه‌های خاص مانند تویتر، اینستاگرام و یوتیوب که بیشتر مورد استفاده جوانان قرار می‌گیرد بپردازند.

پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش شدت جرم زایی فضای مجازی علاوه بر توسعه سکوه‌های نرم افزاری مناسب، به والدین نیز آموزش‌های مربوطه داده شود تا با نظارت خارجی و غیر مستقیم بتوان عوامل تشویق‌کننده جرم را کاهش داد.

منابع

اله یاری، ط. و مجیدی پرست، س. (۱۳۹۳). گونه شناسی باندهای جرم و فساد در فضای مجازی. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۱(۲)، ۱۴۳-۱۶۵.

انامب، م، سیامک، دلیر، ح. ز، کریم، و ثانی، ن. (۱۳۹۶). پهنه‌بندی و تحلیل فضایی مناطق شهری به لحاظ ناهنجاری‌های اجتماعی و شناسایی کانون‌های جرم خیز شهری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۱۲(۳)، ۵۲۱-۵۳۹.

ایقانی، م، زهروی، ر، میری، ح، و اسمعیلی، ع. ا. (۱۴۰۰). پیشگیری وضعی و اجتماعی از بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی. *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۴(۳)، ۱۰۰۷-۱۰۲۶، ۱۹۴۸.

ترکمان، فرح، گرگوندی، و افتخاری. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر در ارتکاب به جرائم اجتماعی با تاکید بر نظریه فشار آگنیو (مورد مطالعه: جوانان و نوجوانان مذکر ۱۷-۳۰ سال در منطقه ۱۶ تهران). *مطالعات جامعه شناختی ایران*، ۷(۲)، ۲۵-۴۵.

رحمتی، یزدانی، و پاشازاده. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم درگیری (مطالعه موردی: شهر اردبیل). *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۱۶(۱)، ۱۷۵-۱۹۰.

کرکه‌آبادی، زینب، باقری، علی، باقری، و مهدیه. (۱۳۹۸). رویکرد جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED). *مطالعات علوم اسلامی انسانی*، ۲۷(۵)، ۱۲۸-۱۳۶.

موسوی، و میرنجف. (۱۳۹۴). بررسی تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز در سطح محله‌های شهر یزد با تأکید بر برنامه‌ریزی فرهنگی. *پژوهشهای جغرافیای انسانی*، ۴۷(۲)، ۲۳۳-۲۴۸.

موسوی فرد، م، لطفی، حیدر، غفاری، رومنان، ن. (۱۴۰۱). رویکردهای مؤثر پیشگیری از جرم و جنایت مبتنی بر سیاست جنایی جغرافیایی و منطقه‌ای. *فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)*.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹). سالنامه آماری. مرکز آمار، تهران، ایران، ۱-۹۴۰.

Ang, R. P. (2015). Adolescent cyberbullying: A review of characteristics, prevention and intervention strategies. *Aggression and Violent Behavior*, 25, 35-42.

Attaran, M., & Woods, J. (2019). Cloud computing technology: improving small business performance using the Internet.

- Journal of Small Business and Entrepreneurship*, 31(6), 495–519. <https://doi.org/10.1080/08276331.2018.1466850>
- Barlett, C., & Coyne, S. M. (2014). A meta-analysis of sex differences in cyber-bullying behavior: The moderating role of age. *Aggressive Behavior*, 40(5), 474–488.
- Beran, T., & Li, Q. (2008). The Relationship between Cyberbullying and School Bullying. *The Journal of Student Wellbeing*, 1(2), 16. <https://doi.org/10.21913/jsw.v1i2.172>
- Beran, T., & Qing, L. I. (2005). Cyber-harassment: A study of a new method for an old behavior. *Journal of Educational Computing Research*, 32(3), 265–277. <https://doi.org/10.2190/8YQM-B04H-PG4D-BLLH>
- Bosij, P. (2006). Cyberstalking -- Harassment in the Internet Age and How to Protect Your Family. *British Journal of Forensic Practice*, 8(1), 38–39. <http://search.ebscohost.com/login.aspx?direct=true&db=shh&AN=20025468&site=ehost-live&scope=site>
- Bossler, A. M., & Holt, T. J. (2012). Patrol officers' perceived role in responding to cybercrime. *Policing*, 35(1), 165–181. <https://doi.org/10.1108/13639511211215504>
- Broadhurst, R., & Chang, L. Y. C. (2013). Cybercrime in Asia: Trends and challenges. *Handbook of Asian Criminology*, 49–63. https://doi.org/10.1007/978-1-4614-5218-8_4
- Caplan, J. M., Kennedy, L. W., Drawve, G., & Baughman, J. H. (2021). Data-Informed and Place-Based Violent Crime Prevention: The Kansas City, Missouri Risk-Based Policing Initiative. *Police Quarterly*, 24(4), 438–464. <https://doi.org/10.1177/1098611211003205>
- Clough, J. (2011). Cybercrime. *Commonwealth Law Bulletin*, 37(4), 671–680. <https://doi.org/10.1080/03050718.2011.621277>
- Crespi, I., & Hellsten, L. M. (2022). Cyberviolence and the digital experience: reflections on a problematic issue for youth. *International Review of Sociology*, 1–9. <https://doi.org/10.1080/03906701.2022.2133404>
- Erdur-Baker, Ö. (2010). Cyberbullying and its correlation to traditional bullying, gender and frequent and risky usage of internet-mediated communication tools. *New Media and Society*, 12(1), 109–125. <https://doi.org/10.1177/1461444809341260>
- Fisher, E. J. (2013). From Cyber Bullying to Cyber Coping: The Misuse of Mobile Technology and Social Media and Their Effects on People's Lives. *Business and Economic Research*, 3(2), 127. <https://doi.org/10.5296/ber.v3i2.4176>
- Gordon, S., & Ford, R. (2006). On the definition and classification of cybercrime. *Journal in Computer Virology*, 2(1), 13–20.
- Guinchard, A. (2008). Cybercrime: The Transformation of Crime in the Information Age. *Information, Communication & Society*, 11(7), 1030–1032. <https://doi.org/10.1080/13691180802158557>
- Hay, C., Meldrum, R., & Mann, K. (2010). Traditional Bullying, Cyber Bullying, and Deviance: A General Strain Theory Approach. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 26(2), 130–147. <https://doi.org/10.1177/1043986209359557>
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2014). *Bullying beyond the schoolyard: Preventing and responding to cyberbullying*. Corwin press.
- Holt, T. J. (2021). *Crime online: Correlates, causes, and context*. Carolina Academic Press.
- Holt, T. J. (2023). Understanding the state of criminological scholarship on cybercrimes. *Computers in Human Behavior*, 139, 107493. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2022.107493>
- Holt, T. J., & Bossler, A. M. (2009). Examining the applicability of lifestyle-routine activities theory for cybercrime victimization. *Deviant Behavior*, 30(1), 1–25. <https://doi.org/10.1080/01639620701876577>
- Holt, T. J., Bossler, A. M., & May, D. C. (2012). Low Self-Control, Deviant Peer Associations, and Juvenile Cyberdeviance. *American Journal of Criminal Justice*, 37(3), 378–395. <https://doi.org/10.1007/s12103-011-9117-3>
- homas J. . Holt, T., & dam M. . Bossler, A. (2009). Examining the Applicability of Lifestyle-Routine Activities Theory for Cybercrime Victimization. *Deviant Behavior*, 30(1), 1–25.
- Jaishankar, K. (2007). Establishing a theory of cyber crimes. *International Journal of Cyber Criminology*, 1(2), 7–9.

- Jones, L. M., Mitchell, K. J., & Finkelhor, D. (2012). Trends in Youth Internet Victimization: Findings From Three Youth Internet Safety Surveys 2000–2010. *Journal of Adolescent Health, 50*(2), 179–186. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2011.09.015>
- Jones, L. M., Mitchell, K. J., & Finkelhor, D. (2013). Online harassment in context: Trends from three youth internet safety surveys (2000, 2005, 2010). *Psychology of Violence, 3*(1), 53–69. <https://doi.org/10.1037/a0030309>
- Kim, Y., Y.-J., K., & B., L. (2005). School bullying and suicidal risk in Korean middle school students. *Pediatrics, 115*(2), 357–363.
- Klomek, A. B., Sourander, A., Kumpulainen, K., Piha, J., Tamminen, T., Moilanen, I., Almqvist, F., & Gould, M. S. (2008). Childhood bullying as a risk for later depression and suicidal ideation among Finnish males. *Journal of Affective Disorders, 109*(1–2), 47–55. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2007.12.226>
- Latzer, M., Büchi, M., & Festic, N. (2021). Internet Use in Switzerland 2011—2019: Trends, Attitudes and Effects. Summary Report from the World Internet Project – Switzerland. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3871078>
- Lim, S. S., Chan, Y. H., Vadrevu, S., & Basnyat, I. (2013). Managing peer relationships online – Investigating the use of Facebook by juvenile delinquents and youths-at-risk. *Computers in Human Behavior, 29*(1), 8–15. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2012.04.025>
- Marcum, C. D., Higgins, G. E., Freiburger, T. L., & Ricketts, M. L. (2014). Exploration of the cyberbullying victim/offender overlap by sex. *American Journal of Criminal Justice, 39*(3), 538–548.
- Moore, R., Guntupalli, N. T., & Lee, T. (2010). Parental Regulation and Online Activities: Examining factors that influence a Youth's potential to become a Victim of Online Harassment. *International Journal of Cyber Criminology, 4*(1/2), 685–698.
- Owen, T. (2017). Cyber Violence. In *Crime, Genes, Neuroscience and Cyberspace* (pp. 103-114). Palgrave Macmillan, London.
- Patchin, J. W., & Hinduja, S. (2011). Traditional and Nontraditional Bullying Among Youth: A Test of General Strain Theory. *Youth & Society, 43*(2), 727–751. <https://doi.org/10.1177/0044118X10366951>
- Pyrooz, D. C., Decker, S. H., & Moule Jr, R. K. (2015). Criminal and routine activities in online settings: Gangs, offenders, and the Internet. *Justice Quarterly, 32*(3), 471–499.
- Rebellon, C. J., Piquero, N. L., Piquero, A. R., & Tibbetts, S. G. (2010). Anticipated shaming and criminal offending. *Journal of Criminal Justice, 38*(5), 988–997. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2010.06.016>
- Sengar, A. S. (2021). The impact of social media on business growth and performance in India. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management, 11*(12), 27–31.
- Singh, A., & Kaur, M. (2020). Intelligent content-based cybercrime detection in online social networks using cuckoo search metaheuristic approach. *Journal of Supercomputing, 76*(7), 5402–5424. <https://doi.org/10.1007/s11227-019-03113-z>
- Stalans, L. J., & Donner, C. M. (2018). Explaining why cybercrime occurs: Criminological and psychological theories. In *Advanced Sciences and Technologies for Security Applications* (pp. 25–45). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-97181-0_2
- Wall, D. (2003). Crime and the Internet. In D. Wall (Ed.), *Crime and the Internet*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203299180>
- Wall, D. (2010). Cybercrimes and the Internet. *Crime and the Internet, 1*–17. https://doi.org/10.4324/9780203164501_chapter_1
- Weimann, G. (2004a). How modern terrorism uses the internet. *UNnted States Institute of Peace, 1*–12.
- Weimann, G. (2004b). How Modern Terrorism Uses the Internet. *The Journal of International Security Affairs, 8*, 91–105.
- Wikström, P.-O. H. (2010). *Situational Action Theory: Oxford Bibliographies Online Research Guide*. Oxford University Press.
- Wikström, P.-O. H. (2019). Situational Action Theory: A general, dynamic and mechanism-based theory of crime and its causes. In *Handbook on crime and deviance* (pp. 259–281). Springer.

- Wikström, P.-O. H., Mann, R. P., & Hardie, B. (2018). Young people's differential vulnerability to criminogenic exposure: Bridging the gap between people- and place-oriented approaches in the study of crime causation. *European Journal of Criminology*, 15(1), 10–31. <https://doi.org/10.1177/1477370817732477>
- Wikström, P.-O. H., Oberwittler, D., Treiber, K., & Hardie, B. (2017). Situational action theory. In *Developmental and life-course criminological theories* (pp. 125–170). Routledge.
- Wikström, P.-O. H., & Svensson, R. (2010). When does self-control matter? The interaction between morality and self-control in crime causation. *European Journal of Criminology*, 7(5), 395–410. <https://doi.org/10.1177/1477370810372132>
- Wikström, P.-O. H., & Treiber, K. (2015). Situational Theory. In *The Handbook of Criminological Theory* (pp. 415–444). John Wiley & Sons, Inc. <https://doi.org/10.1002/9781118512449.ch22>
- Wikström, P.-O. H., & Treiber, K. (2016). Social disadvantage and crime: A criminological puzzle. *American Behavioral Scientist*, 60(10), 1232–1259.
- Wikström, Per-olof H. (2006). Individuals, settings, and acts of crime: situational mechanisms and the explanation of crime. In *The Explanation of Crime* (pp. 61–107). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511489341.004>
- Wikström, Per-Olof H., & Bouhana, N. (2016). Analyzing radicalization and terrorism: A situational action theory. *The Handbook of the Criminology of Terrorism*, 175–186.
- Ybarra, M. L., Mitchell, K. J., Finkelhor, D., & Wolak, J. (2007). Internet prevention messages: Targeting the right online behaviors. *Archives of Pediatrics and Adolescent Medicine*, 161(2), 138–145. <https://doi.org/10.1001/archpedi.161.2.138>

